

(این مقاله در مجله " حجت " به چاپ رسیده است)

به پیشواز نوروژ عالم افروز

نوروز شد و لاله خوشترنگه برآمر
بلبل به تماشای دهنه و چنگه بر آمد
مرغان هوا نعره کشند جمله به یکبار
مرغ دلم من از قفس تنگه بر آمد

رواج های نوروزی پامیریها و گذشته های تاریخی آن

نوشته دکتور خوش نظر پامیرزاد

پامیر یکی از بلندترین وادی های مرتفع در جهان بوده که اکنون میان چهار کشور افغانستان ، تاجکستان ، پاکستان و چین تقسیم شده است . این وادی به نام « بام جهان » شهرت یافته که شاهد حیات انسانی از ده ها هزار سال پیش میباشد . تحقیقات باستانشناسان در این سرزمین از آن گواهی میدهد که آغاز حیات انسانی در این سرزمین به تمدنهای اولیه جوامع بشری و حتی پیش از آن میرسد . تصاویر کشف شده حیوانات و پرندگان در مغاره های «شخته » و « لنگر گشت » پامیر زندگی انسان دوره شکار را نشان میدهد که به ده ها هزار سال قبل از امروز میرسد . اما آن چه تا کنون از زمانه های قدیم در سرزمین پامیر پابرجا مانده ، آن رسوم و رواج های مردمان پامیر است که به صورت شفاهی میان این مردم وجود دارد . این سرزمین که نخستین خاستگاه آریایی ها میباشد ، مشخصات یادشده از آریاناونجه را به نمایش میگذارد . رسوم و رواجهای این اقوام در سرزمین پامیر با امانتداری بیشتری حفظ گردیده که تحقیق در آن چهره کاملاً واضحی از اقوام آریایی را مشخص میسازد . از رسوم آریایی ها آن چه در آثار مورخین باستانی تذکر به عمل آمده بدون کم و کاست تا کنون در پامیر باقی است که تعدد زیاد این رسومات ، پامیر را به گنجینه ای از اسناد شفاهی باستانی تاریخی مبدل ساخته که طی هزاران سال آن راز صدمه هجوم فرهنگهای دیگر مصنون داشته است . از مجموعه این رسومات یکی هم دسته ای از رواج های نوروزی میباشد که تا امروز به شدت و ثقلت خویش برگذار میشوند .

پیش از این که به این رواج ها پرداخت باید اندکی در کلمه پامیر و نواحی مربوط آن مکث کرد . پامیر نامی است از یک سرزمین که بنا به تصورات مختلف در محافل و مجامع مختلف به مناطق متفاوتی اطلاق میگردد . به این معنی که این نام در آثار دانشمندان و محققین شوروی سابق ساحات وسیعی از سرزمین های شامل واخان ، اشکاشم ، شغنان ، روشان ، شاخدره ، مرغاب ، یزگلام و امثال آن را در بر میگیرد . در صورتی که در افغانستان این نام بیشتر به وادی مرتفع بالایی واخان اطلاق میشود که تفریحگاه تابستانی برای شکار گوسفند مارکوپولو (گوسفند وحشی) که شهرت جهانی دارد ، گفته میشود . هم چنان در آثار محققان و پژوهشگران جهان غرب در رابطه به زیانهای پامیری ساحات بزرگی از چهار کشور متذکره بالا را احتوا میدارد که در امر اجرای رسوم و رواجها نیز این مسئله صدق میکند که این ساحات شامل ولسوالیهای واخان ، اشکاشم ، زیباک ، کران و منجان ، شغنان در افغانستان ، سرزمین های یادشده در تاجکستان ، مناطق چترال ، گوجال و حتی هونزا و گلگت در پاکستان ، مناطق سرقول و تاشقرغان در چین میگردد که از جمله رواجهای نوروزی در آن مناطق به طور یکسان اجرا میگردد .

نوروز کلمه ای است به مفهوم روز جدید و نو که با حلول سال جدید هجری شمسی این مفهوم مصداق میباشد . در سرزمین وسیعی از شرق قدوم سال نو را خوش آمدید و مبارکباد میگویند که تازه در اروپا ، امریکا و نقاط دیگر جهان راه یافته است . قدوم سال نو با اجرای مراسمی خوش آمد میشود . این رسوم در نقاط مختلف ، مختلف میباشد . با آن هم در کلیت این روز به عنوان جشن و سرور بر پا میگردد . اما در پامیر (مراد از پامیر به مفهوم وسیع آن) بر عکس نقاط دیگر نوروز نه به عنوان جشن بلکه به عنوان یک عید برگذار میگردد . جشن نوروز را در پامیر « خدیر ایام » میگویند . این مفهوم مرکب از کلمه « خدیر » به معنی بزرگ و « ایام » به معنی عید میباشد که مفهوم آن « عید بزرگ » میشود . وجه تسمیه آن نیز روشن است . زیرا پیش از عید

بزرگ دو عید دیگری تحت عنوان « خیرچزان » و « خیرپچار » برگزار میشوند که این دو عید در ایام زمستان می‌آیند. این عیدها از رسومات باستانی آریایی‌ها باقیمانده که در کتاب اوستا نیز از آنها یاد نموده اند. ابراهیم پور داود مفسر اوستا به زبان فارسی (ادبیات مزد یسنا ، یشت ها قسمتی از کتاب اوستا، جلد 1، صفحه 307) مینویسد که روز یازدهم ماه خورشید خیر روز نامیده میشود. در دو سی روزه (کوچک و بزرگ) به آن درود فرستاده میشود.

با موجودیت این دو عید ، نو روز را عید بزرگ گویند که با تحلیل و پژوهش در آنها این نتیجه حاصل میشود که برگزاری عید ها در رابطه به آفتاب یا خورشید مطرح بوده است. کلمه خورشید یکی از کلمات دری میباشد که در آن ریشه « خور » به معنی آفتاب است . آفتاب را در زبان اوستایی « خیر » گفته اند که تا کنون این کلمه به تلفظ اوستایی آن « خیر » در زبانهای پامیری (شغنائی) وجود دارد. مهر یا خورشید یکی از الهه های آریایی بود که مذهب مهرپرستی یا پرستش خورشید به آن معتقد بودند . که عید بزرگ نیز یادگاری از آن دوران باستان تا به این عصر آمده و امروز نه به رسم مذهبی بلکه به عنوان یک عنعنه در پامیر برگزار میشود. از جانب دیگر برگزاری جشن نوروز در تاریخ آریایی ها به زمان پادشاهی جمشید میرسد که این نام در اسطوره های تاریخی آریایی سمبول عدالت ، آزادی ، صلح ، صفا و صمیمیت میباشد . بر اساس تحلیل نام های جغرافیایی اسطوره ها مربوط به فرهنگ و کلتور جامعه ما محل پادشاهی این شخصیت در شمال شرق افغانستان (بهارک امروزی بدخشان) قرار داشته است .

در مناطق مختلف کشور ما و کشورهای همسایه از نوروز به عنوان جشن دهقان تجلیل مینمایند و آن مصادف به بهار ، فصل رستنی ها و سبزشدن ها و شروع فعالیت های دهقان میباشد که به نام دهقان ارج بزرگی میگذارند همه فعالیت های نوروزی در به نمایش گذاشتن میله آن حکایه از مقام بلند دهقان دارد. این بیانگران است که این میله ها و جشن ها به آغازین دوره زندگی جامعه وابسته به کشاورزی میگردد که سال های اولیه استفاده از محصولات زراعتی آریایی ها بوده است . از آن جایی که تحقیقات اسناد تاریخی در زمینه گویای آن است ، نخستین بار استفاده از گندم و سایر غله جات در آسیای مرکزی شروع شده است که شیوه اجرای رسومات نوروزی پامیر به این امر ارتباط پیدا میکند که میتوان گفت در ازمنه های مختلف این اقوام در دفاع از این رسومات قربانیهای بزرگی را نیز متقبل شده اند. تعداد زیادی از اسطوره های تاریخی آریایی بازگوکننده این زدوخوردها هستند که پژوهش در آنها واقعیت هایی را برملا میسازد.

رسوم و رواجهای نوروزی پامیر عناصر کاملاً ابتدایی این اسطوره ها را بیان میکنند. « عید بزرگ » با خانه تکانی قبل از طلوع آفتاب آغاز میشود که در آن صبحدم پیش از طلوع خورشید غذایی ای از آرد گندم به نام کچی تهیه میشود. همه اعضای خانواده دور دسترخوان جمع شده ، انتظار دعای طعام که بزرگ خانواده آن را اجرا میکند ، مینشینند. پس از صرف طعام کدبانوی خانواده برای نان مخصوص نوروزی که آن را « قماچ » گویند ، خمیر میکند. سپس یکی دو نفر موظف به خانه تکانی میشوند و دیگران خانه ترک میگویند. حوالی ظهر که خانه پاک کاری میشود همه اعضای خانواده با خمچه های بید به شکل گل کاری شده گی به خانه بر میگردند که خانه پاک کاری شده و با آرد گندم دیوارهای خانه گل زده شده که این گل با تاج بافته شده از خمچه بید بر روی دیوار با آرد نقش میگردد. هر عضو خانواده با ورود به خانه جمله « شاگون بهار مبارک » را ادا میکند که دیگران به آن « بر روی شما مبارک » پاسخ میدهند. چاشت آن روز نان مخصوص نوروزی « قماچ » در محضر همه خانواده توته میگردد و تعدادی اعضای خانواده توته های قماچ و نان توته شده را در دستمالی پیچانیده به سلام نوروزی به خانه های خویش و اقارب میروند.

در این رسم و رواج ها بکاربرد خمچه های گل کاری شده یاد « برسم » در رواج های آریایی های قدیم را زنده میسازد که آنها نیز برسم را در مراسم خوشی شان بکار میبردند . نان مخصوص نوروزی « قماچ » گویای دوره ای از زندگی اقوام آریایی است . ویژه تا طرز پخت این نان که آتش زیادی در دیگدان خانه تهیه شده و خمیر در بین آتش گذاشته میشود . این طرز پخت دوره ای از زندگی قدیمی انسانها را در خاطر مجسم میکند که آنها برای پخت نان وسایل چون تابه ، دیگداناها ، و امثال آن را هنوز بکار نمیبردند بلکه در آن دوره خمیر مستقیماً زیر آتش میشد که به پاس احترام به « عید بزرگ » آن رواج های باستانی را پامیری ها هنوز هم اجرا میدارند .

حوالی شام آن روز تعدادی بربالای بام خانه ها می برآیند و یکی از اعضای خانواده رسم « کلا غرغز » را اجرا مینماید . با اجرای این رسم آن قیوداتی که برای نگاه نکردن از روزن بالای بام به خانه ده روز پیش وضع میگردد ، رفع میشود . این رسم را « کنس و پریش » میگویند.

رسم « کلا غرغز » طوری ست که شخصی بر بام بالا شده ، دستمالی را گرفته ، در بین دستمال یکی دو توته نان را گذاشته از روزن خانه آویزان مینماید و همزمان با آن « شاگون بهار مبارک » گفته ، ترانه نوروزی را با صدای بلند چنین میخواند :

نوروز شد و لاله خوشرنگ برآمد
بلبل به تماشای دف و چنگ برآمد

نوروز شد و لاله خوشرنگ برآمد

مرغان هوا نعره کشند جمله به یکبار مرغ دل من از قفس تنگ برآمد

پس از انجام کلاغزغز همسایه ها در یکی از بام ها جمع میشوند و هر خانواده غذایی را که پخته ، با خود میآورند و مرد ها و اطفال غذای آورده شده را یکجا صرف مینمایند . سپس برای اجرای رسم دیگری همه به خانه ها میروند و مصروف تهیه غذایی میشوند که آن را « باج » میگویند . باج غذای ویژه نوروزی است که گندم میده شده همراه با گوشت پخته میشود . رواج هایی که در وقت پختن و تهیه این غذا میشوند گویای قدیمترین رسومات آریایی ها میباشد . همزمان با ورود مردها به خانه و در دادن آتش برای پختن باج از داخل شدن به خانه « کنبن و پریر » گرفته میشود که کسی به خانه تا زمانی داخل شده نمیتواند که باج در دیگ به جوش بیاید .

رواج های « کنبن و پریر » بیان کننده نوعی اعتقاد آریایی ها در قدیم میباشد که در کتاب اوستا نیز از آن یادآوری شده است و آن را « کنبن caix » نوشته اند . با گذشت زمان شکل این کلمات در دیگر زبان های آریایی تغییر یافته است . چنانچه در زبان دری « کیش » آمده و آن معنی « طریقه و شیوه » را افاده مینماید . باج یا غذای خاص نوروزی پامیر گویای نکات تاریخی عمده دیگری نیز میباشد . به جوش آمدن این غذا را نیز مردمان به فال میگیرند و آن طوری است که اگر نقطه جوش در دیگ از گوشه شرقی آغاز گردد ، آن سال را به فیض و برکت فال میگیرند و اگر از سمت غرب به جوش بیاید نوعی تنگدستی را پیش بینی میکنند و اگر همزمان در نقاط مختلف به جوش بیاید پادشاه گردشی را پیش بینی مینمایند . همچنان با به جوش آمدن آن کدبانوی خانه بر روی دیوار جوار دیگران با آرد گندم قطنی (محل نگهداری گوسفندان) را رسم نموده و با آرد خال هایی را به عنوان بز و گوسفند در آن ترسیم میدارد . در این رواج آن چه جلب نظر مینماید ، تصویر نمودن دو یا سه نخچیر (بز کوهی) است که هر کدبانو آن ها را به عنوان برکت گوسفندان ترسیم مینماید .

در هر خانه هنگام به جوش آمدن باج چنین تصویرها در دو سه جای دیوار رسم میشوند . چنین رواجی از کهنترین خاطره های اقوام آریایی میباشد که تاریخ آن به دوره زندگی مالداران و گله داری آنها میرسد که آنها در مراسم « خدیر ایام » بر پا میداشتند . در آن دوران آریایی ها نخچیر را حیوان مقدس میشمردند . این مسئله در تحقیقات گروهی از دانشمندان انعکاس یافته است . ترسیم نخچیر در میان قطن گوسفندان هنوز آن صیغه بزرگواری این حیوان را نشان میدهد . از جانی هم در باورهای مردمان پامیر نخچیر تا کنون حیوان مقدسی محسوب میشود که تعدادی به آن جنبه اسلامی داده و او را از جمله رمه های بی بی فاطمه زهرا دختر پیغمبر اسلام میشمارند . هر چند احترام گذاشتن به نخچیر به هزارها سال قبل از امروز میرسد مگر در مراسم نوروزی پامیر تا حال به عنوان فیض و برکت مالداران تصویر میشود .

نخستین صبحدم سال در رواج های نوروزی پامیر با دود کردن خوشبویی خیرمقدم گرفته میشود . این خوشبویی از بته کوهی موسوم به « ستی رخم » تهیه شده که با روغن زرد حیوانی مالیده شده ، کدبانوی خانه با دمیدن شفق خوشبویی را بر روی آتشی میریزد که بوی مطبوعی از آن برخاسته و فضای خانه را میانبارد . سپس این بوی دماغ همه را معطر میسازد که بنا به فلسفه « عید بزرگ » سال تمام این چنین حالت را هر کسی داشته باشد .

در پامیر صبح سال نو یا نوروز را با صرف غذای ویژه که آن را باج گویند ، خیر مقدم می گیرند . در طریق صرف این غذا عناصر باستانی رواجهای آریایی دخیل میباشد . وقتی اعضای خانواده به دور دسترخوان جمع میشوند ، همه چشم وگوش به کدخدای خانواده میشوند . کدخدای خانواده با نیایش بس کوتاهی این رسم را اجرا میدارد که اعضای خانواده به صرف باج پردازند .

در کتاب اوستا انجام دادن باج یکی از وظایف مذهبی زردشتی پذیرفته شده است . باج را اوستاشناسان نیایش یا دعای کوتاهی گفته اند . هر چند در رواجهای امروزی پامیر نیایش باج جدا از آن است در صورتی که باج نام اغذیه ای است که در نوروز به طور خاص تهیه میشود . کلمه باج در مفاهیم امروزی زبان دری تا کنون مروج است ، اما نه به معنی اوستائی آن بلکه باج در این زبان به دو مفهوم استعمال میشود . یکی به مفهوم خراج ، مالیات ، عوارض ، آنچه که در قدیم پادشاهان بزرگ از پادشاهان مغلوب و زیردست میگرفتند یا پولی که راهداران از مسافران بگیرند و به معنی پولی که از کسی به زور گرفته شود ، هم میگویند . چنانچه در این گفته حافظ :

سزد که از همه دلیران ستانی باج از آن که بر سر خوبان عالمی چون تاج

دو دیگر اینکه باج را مشتق از کلمه وچ اوستا به معنی گفتار ، سخن ، یکی از مراسم مذهبی زردشتیان ، خاموشی و سکوت هنگام اجرای بعضی مراسم مذهبی ، و دعاهایی که آهسته و زیر لب میخوانند ، و نیز یکی از نمازها زردشتیان به نام سروش باج گفته شده یعنی گفتار سروش که صبح زود پس از برخاستن از خواب و شستن دست و روی به جا می آورند . چنانچه نظامی گوید :

چو آمد وقت خوان دارای عالم ز موبد خواست رسم باج و برسم

در زبان های پامیری باج آن اغذیه ای است که صرف در نوروز و یا در روزهای خدایی (خیرات) پخته میشود . در مراسم نوروزی قبل از صرف آن بزرگ خانواده چنین نیایش را انجام میدهد، و میگوید :
بیامرزیده شود ارواح گذشتگان.

با ادای این نیایش سه بار انگشت دست راست را به باج تماس داده و به طرف قبله تکان میدهد که یقیناً این آن دعایه خواهد بود که دانشمندان از آن معنی « باج » را گرفته اند.

رواج باج در پامیر نشان میدهد که این رسم بدون شک به دوره ای از زندگی آریایی ها ارتباط مییابد که آن ها تازه دست به کشت و کشاورزی زده و آن را در مراسم مذهبی خویش شامل کرده تا سبب تشویق اعضای جامعه شان به زراعت و کشاورزی گردند و این دور مقارن ظهور زردشت و اندکی قبل از آن خواهد بود. تعدادی از مورخین و پژوهشگران رواج های پامیر را از رسوم زردشتی گفته و پنداشته اند که این رسوم از دور زردشت باقیمانده باشد. مگر تحلیل و ارزیابی این رواج ها نشان میدهد که آنها به دین زردشتی ارتباطی ندارند ، بلکه این رواجها یه اعتقادات آریایی ها قبل از زردشت ارتباط داشته و قدیمترین اسناد زندگی آریایی ها هستند.

عناصر دخیل در این رواج ها نمایانگر آن است که این رواج ها به دور پادشاهی جمشید یکی از شاهان اسطوره ای آریایی ها وابسته بوده و از آن دوران باقیمانده است که صدها سال قبل از پیدایش دین زردشتی بوده است . تنها برخی عناصر به این رواج ها راه یافته اند.

به طور کلی گذشته تاریخی رواج های نوروزی پامیر یک چهره باستانی را نشان میدهد که طی هزارها سال موجودیت خویش شکل یافته اند . نخستین عنصر این رواجها از دوره جمشید حکایه دارد که برخی عناصر دیگر با گذشت زمان به آن ها پیوند یافته و در کوهستانات پامیر تا کنون محفوظ مانده که پامیر چون گنجینه یی از فرهنگ آریایی حکایه هایی در خود دارد. عمدتاً چوکات بندی این رواج ها به مرحله ای از حیات اولی اقوام آریایی شکل یافته که این اقوام به مهرپرستی یا پرستش خورشید اعتقاد داشتند و بیشترین داشته های این رسوم به پرستش خورشید وابستگی دارد که یما یا جمشید ممثل اصلی آن بود که الحال نه به عنوان مراسم مذهبی بلکه به عنوان یک رسم و رواج نیاکان در جشن نوروز یا خدیرایام در تمام مناطق برگذار میشود .

*

*

*